

با قوانین و مقررات شهری آشنا شویم

بخش دوم
انکشاف مجدد شهری
ماده سی و یکم- پلان مالی و اقتصادی پروژه و توزیع ابارتمان‌ها برای مالکین زمین:
پلان مالی و اقتصادی پروژه انکشاف مجدد شهری شامل موضوعات ذیل می‌باشد:
۱- پلان مالی و اقتصادی پروژه با سنجش میزان تبدیل زمین به ابارتمان در تفاهم و قناعت مالکین زمین‌ها ضمن لست تبدیل مساحت‌ها با مشخصات اسم مکمل مالک زمین، ابعاد و مساحت زمین، نمبر ثبت شده زمین، مقدار مساحت سنجش شده در ابارتمان و در صورت ضرورت مقدار باقی مانده در زمین و یا هم در ابارتمان آماده می‌گردد.
۲- پلان فروشات که شامل محاسبه مصارف اعمار و ساختمان پروژه، نرخ‌گیری و نرخ‌گذاری ابارتمان‌ها نیز شامل پلان اقتصادی و پلان‌گذاری مالی می‌گردد.
۳- ایجاد و توسعه ساحت عام المنفعه و خدماتی پروژه مطابق ماده‌های ۱۲ و ۱۴ این طرز العمل صورت می‌گیرد.
۴- در حصه توزیع ابارتمان‌ها، شاروالی کابل منازل مورد نظر برای زمین‌داران پروژه را انتخاب کرده بعد از منظوری در شورای انکشاف مجدد شهری در محضر عام به شکل قرعه‌کشی، هر ابارتمان را برای زمین‌دار مورد نظر تعیین می‌کند.
ماده سی و دوم- پلان انتقال مؤقت/دایمی ساکنین محل:
۱- در هر دو حالت (انکشاف مجدد شهری و FFL) اسکان مجدد مؤقت/دایمی امر حتمی می‌باشد.
۲- در بخش پلان‌گذاری انکشاف مجدد شهری تا حد ممکن کوشش گردد که ساکنین محل از ساحه کاملاً اخراج نگردند و نظر به حالت موجوده توسط تیم تنظیم مجدد زمین ارزیابی شود تا نظر به تقسیم نمودن پروژه به چندین فاز از ساحت زمین‌های سفید به خاطر اعمار بلاک‌های راه‌پیشی جهت انتقال مؤقت/دایمی ساکنین محل استفاده صورت گیرد.
۳- پلان انتقال مؤقت/دایمی ساکنین محل در مشورت و ارتباط نزدیک با مالکین زمین از طرف شاروالی کابل تهیه می‌گردد. این پلان شامل مطالعه امکان‌سنجی، پلان عملیاتی، محاسبه اقتصادی، مذاکره با ساکنین محل می‌باشد. بعد از توافق جانبین شامل عقد پروتوکول پلان‌ها شده قید آرشیف می‌گردد.
۴- در صورت اسکان مجدد مؤقت، دو گزینه ذیل را شاروالی کابل برای بی‌جا شدن ابارتمان پروژه‌الی ختم پروژه انکشاف مجدد شهری پیشنهاد می‌نماید:
- انتقال بی‌جا شدن ابارتمان‌ها به ساختمان‌های ره‌پیشی که مربوط شاروالی کابل یا مربوط دولت افغانستان می‌باشد که با هماهنگی شاروالی کابل به دسترس قرار داده شده است.
- گرفتن بودجه از وزارت مالیه توسط شاروالی و گرفتن گروی یا کرایه خانه‌ها برای بی‌جا شدن ابارتمان در ساحت ممکنه داخل شهر بادر نظر داشت تعادل در کیفیت و ارزش زندگی ساحت پروژه و ساحت پیشنهادی شاروالی.
۵- در صورت درخواست مالکین جابجایی زمین‌های شان می‌تواند مطابق قانون استملاک از طرف مرجع تطبیق کننده (شاروالی) استملاک و حقوق شان پرداخته شود و بعداً ساحه تخلیه گردد.

جلسه هماهنگی میان شاروالی کابل و شرکت‌های ساختمانی دایر گردید

به منظور جلوگیری از فساد اداری در پروژه‌های داوطلبی و تطبیق پروژه‌های ساختمانی و سرک‌سازی با کیفیت بهتر آن، جلسه هماهنگی میان شاروالی کابل و شرکت‌های ساختمانی و سرک‌سازی، تحت ریاست ادامه صفحه ۷



سرپرست شاروالی کابل از کار پروژه سرک نساجی بگرامی نظارت نمود

پوهنیا عبدالله حبیب زی سرپرست شاروالی کابل، روز دو شنبه گذشته، از چگونگی کارهای انجام یافته در پروژه سرک بگرامی نظارت به عمل آورد. سرپرست شاروالی کابل حین نظارت، تأکید بر کیفیت و سرعت کار، در خصوص تکمیل سنگ فرش پیاده روها، ساخت گلدان و کارهای باقی مانده این پروژه، به مسوولین مربوطه هدایت داد.
این سرک به طول یک کیلومتر در ۴ خط متر رو، با ساخت یک کانال بزرگ آب گیر به طول ۳ کیلومتر و کانال‌های وصلی دیگر به منظور مدیریت آب‌های سطحی، سنگ فرش پیاده رو، گلدان وسط جاده، توسط ریاست حفظ، مراقبت و کار شاروالی کابل و با نظارت تیم مدیران پروژه‌های این اداره در حال تکمیل شدن است.



از روز جهانی زمین، تجلیل به عمل آمد سخن‌رانان، کاهش استفاده از پلاستیک را محور سلامتی شهروندان دانستند

از روز جهانی زمین، طی محفلی که روز یک شنبه گذشته با اشتراک مسوولان اداره ملی حفاظت محیط زیست، شاروالی کابل، وزارت زراعت و جامعه مدنی، در ساحت کول حشمت خان واقع ناحیه اول شهر کابل دایر گردیده بود، تجلیل به عمل آمد. در این محفل احمد بهزاد غیاثی رییس تنظیم شاروالی کابل، به ارتباط برنامه‌های شاروالی کابل روی چگونگی استفاده درست از زمین و جلوگیری از آلودگی محیط زیست، صحبت نموده گفت: استفاده بی‌رویه پلاستیک از سوی برخی شهروندان و پراکنده ساختن آن، قابل نگرانی بوده و همیشه صدمه‌های جدی را به زیبایی زمین و محیط زیست وارد می‌سازد. ادامه صفحه ۷



کار ساخت سرک اصلی نجات‌مینه «بوستان کابل» جریان دارد

ساخت سرک اصلی نجات‌مینه واقع ناحیه هدفم شهر کابل، که جندی قبل از سوی شاروالی کابل آغاز گردیده، کار بالای بدنه خاک، زیرساخت و آبروهای کناری آن جریان دارد.
سرک یاد شده به طول بیش از ۳ کیلومتر و با عرض ۳۰ متر، شامل اعمار آبرو، گلدان وسطی، تنویر جاده، خط اندازی، خطوط ویژه بایسکل و سنگ فرش پیاده‌روها بوده که به شکل پخته و اساسی طی سال جاری تکمیل و به بهره برداری سپرده خواهد شد.
این در حال است که، شاروالی کابل علاوه بر ساخت و ساز سرک‌های متعدد تحت کار، پروژه‌های زیادی سرک‌سازی را در سال جاری تطبیق و عملی می‌نماید که کار آن‌ها یکی پی دیگری در آینده‌های نزدیک آغاز می‌گردد.



حفر چهار حلقه چاه آب آشامیدنی در مکروریان‌ها

شاروالی کابل به منظور ارائه خدمات بهتر برای باشندگان مکروریان‌ها، کار حفر چهار حلقه چاه آب آشامیدنی را به عمق ۱۲۰ متر از جندی قبل آغاز نمود که کار بالای ذخیره گاه آن جریان داشته و در آینده نزدیک به بهره برداری سپرده می‌شود، که با بهره برداری این چاه‌ها، مشکلات کمبود آب آشامیدنی باشندگان مکروریان‌ها مرفوع خواهد گردید.
قابل ذکر است که کمبود آب آشامیدنی در ساحت مکروریان‌ها، ناشی از پایین آمدن سطح آب‌های زیر زمینی به وجود آمده است.



آگهی

نشریه پامیر در سال ۱۳۹۷ خورشیدی مشترک می‌پذیرد و همچنان اشتراکات تجارتي را با شرایط سهل به نشر میرساند

فورم اشتراک

نام نام اداره و یا شرکت
شماره تيلفون آدرس تعداد

وجه اشتراک برای افراد و نهاد های داخلی:

یک ساله ۸۰۰۰ افغانی

شش ماهه ۴۰۰۰ افغانی

برای محصلین و متعلمین نصف قیمت حساب می‌شود.

شماره تماس دفتر توزیع نشریه: ۰۷۰۰۷۰۸۹۴۷

وجه اشتراک خویش را می‌توانید به حساب (۰۱۱۰۱۳۶۹۰) عواید شاروالی کابل در پشتی بانک تحویل و آویز آن را اطمینان داده و یا مستقیماً به این اداره تحویل دهید.

کار بهسازی و تنظیم سیستم آبیاری پارک زرنگار آغاز گردید

پارک زرنگار که در مرکز شهر موقعیت دارد، یکی از پارک‌های تاریخی و سرسبز شهر کابل به حساب می‌رود و اخیراً ریاست سرسبزی شاروالی کابل، به منظور حفظ و گسترش ساحت سبز، کار بهسازی و تنظیم سیستم آبیاری این پارک را به شکل پایدار تنظیم کرد.
سیستم آبیاری قطره‌ای روی دست گرفته که کار نصب پایپ‌ها و زیرساخت شماری از پیاده روهای آن جریان دارد. بهسازی این پارک، شامل چمن کاری، سنگ فرش پیاده روها، تنویر، پرورش درختان و گلخانه‌های تزئینی و تکثیری می‌باشد. ادامه صفحه ۷



آب‌های سطح الارضی در شهر خوب مدیریت شد

بارش‌های اخیر توانست جاده‌های عمومی را غرق کند و یا در خانه‌های مردم چار زانو بزند!

ناده مروت

آمده و بخشی از شهر را به نام جهیل می‌شناختند و فرمایش تدارک کشتی را به مسوولان میدادند، در سال گذشته شاروالی کابل به اصطلاح پای خود لچ کرد و وعده کرد که، غم این مشکل حاد اجتماعی را

دیگر با اظهار نگرانی از آب گرفتگی‌ها، مسوولان را به باد انتقاد می‌گرفتند.

خلاصه هر باری که موسم بارندگی فرا می‌رسید، ترس و دلهره و اضطراب در وجود باشندگان رخنه می‌کرد و می‌گفتند که، باز چه خاد شد!

سال‌های گذشته را به یاد می‌آوریم، زمستان‌ها را و فصل بارندگی را، در آن سال‌ها زمانی که باران‌های موسمی از فرود می‌آمد، آب در روی جاده‌ها دند می‌گردید، حتی در ساحات لب‌جرو و حواشی آن، سرک‌های عمومی هم در میان

آب ایستاده غرق می‌گردیدند، کسی می‌گفت کشتی بیاورید و هرکس هر چیزی که به مزاحش برابر می‌آمد، با کتیه، خنده، زهرخند و نیشخند، نثار مسوولان مربوط می‌کردند. رسانه‌ها نیز از راه می‌رسیدند، کمره‌های شان دهان باز می‌کردند و تصاویر جالبی را بر می‌داشتند و گزارشگران نیز با مقدمه‌یی، نظر رهگذران و باشندگان را می‌پرسیدند، کسانی که خانه‌های شان در کنار کانال بود، می‌گفت: آب دروازه ما را بدون اجازه باز کرده و در روی حویلی و حتی منزل چار زانو زده، کسی

با این همه، دغدغه‌هایی که در یک دهه و اندی گذشته، از این رهگذر در شهر به وجود



گذشته

می‌خورد، هم زمان کارتوسعه و ساخت کانال آغاز گردید و نتیجه این شد، در هفته‌های اخیر که به اصطلاح عوام، هفته بارش‌ها آغاز شد و باران‌های تند نیز بارید، آب روی جاده‌ها نفوذ نکرد و مشکلاتی که در سال‌های پیشین به وجود آمده بود، تا حد زیادی بر طرف گردیده است. در سال‌های آینده با ساخت کامل کانال و ساخت جاده‌ها، بساط این مشکل در محلاتی که از این رهگذر آسیب پذیر هستند از میان برداشته می‌شود.

بر مصداق گفته‌ها، تصاویر مقایسه‌ی سال‌های پار و سال روان نشر می‌کنیم، تا از زبان تصاویر نیز بخوانیم و ببینیم.



امروز

وقتی که فروشنده‌ها از خریطه‌های کاغذی و خریطه‌های تکه‌یی استفاده می‌کردند و مردم آن را برای خرید اشیایی مورد نظر با خود حمل می‌کردند، این دو وسیله هیچ تأثیر منفی در نظافت شهر نداشت، اما حالا بخش عمده آلودگی‌های محیطی را بوتل‌های نوشابه و خریطه‌های پلاستیکی تشکیل می‌دهد. هر گاه به این مشکل رسیدگی صورت نگیرد و بدیل آن در بازار ترویج نگردد، فکر نمی‌کنم که دغدغه‌های معضله نظافت شهر بر طرف گردد، زیرا اشیای پلاستیکی با بیل و جاروب، بلدوزر و کراچی جمع آوری نمی‌گردند، بلکه باید با دست آن را از روی سرک، از خیابان، از کوچه، پارک، آب رو و دریا و هر جای دیگر جمع آوری و انتقال داد، که کاری است نا ممکن. هر باری که می‌بینم قامت کارگران نظافت برای جمع کردن زباله‌ها خم می‌شود، دخالت ما را در آلوده سازی شهر آشکار می‌سازد.

زمین را آلوده نسازیم

یک همشهری: با دخالت آشکار در آلوده سازی محیط زیست، قامت کارگران نظافت را خم می‌کنیم

فریده عبیدی

بازار داد و ستد مروج بود که از یک طرف اقتصادی تمام می‌شد و از سوی هم، بنا بر قابلیت حل شدن آن، در آلوده سازی محیط زیست تأثیر منفی نداشت. فراتر از آن ساخت خریطه‌های کاغذی یک بخشی از شهروندان را به خود مشغول کرده بود و از این طریق، نیازمندی‌های اقتصادی شان را برآورده می‌ساختند.

هر چند در سال‌های قبل، مراجع مربوط و مسوول وعده کردند تا خریطه‌های تکه‌یی و کاغذی را در بازار ترویج می‌کنند و این موضوع در رسانه‌ها بازتاب خوبی هم یافت، اما تاجایی که دیده می‌شود، به اصطلاح پشت گپ را ایلا کردند.

یک تن از شهروندان در این مورد گفت: تا

پلاستیکی وجود دارد، به اصطلاح از خیر آن نمی‌گذریم و بدیل آن را به مارکیت نمی‌آوریم؟ در گذشته‌ها یعنی دو و یاسه دهه پیش، خریطه‌های کاغذی و یا هم تکه‌یی در



سرلیک



د باری ستونزو پتھر

یوازی د باریانو په مرسته تولیدای شي!

دا چې نن ورځ مو ښار او چاپیریال له یو شمیر ستونزو اونا خوالو سزه لاس او گریوان دي او د ښار په ځینو برخو کې، گهوږي، خپل سری، بی نظمی، ککړتیا او ناولتیا لیدل کیږی، یوازی لامل یی ښار او چاپیریال ته دخلکو نه پاملرنه او د دوی په منځ کی د مرستی او هم غږی- نشتون ده. که چیری موږ له ځان سره سوچ وکړو او دغه ټولې ستونزی له خپل نظره تیری کړو نو خامخا به له دی پوښتنی سره مخ شو چی، ولی د خلکو په منځ کی د مرستی او یو والی کچه ټیټه شوی او ولی له خپل ښار او چاپیریال سره مینه نلرو؟ دا ځکه چی ددی ښار د ډیرو اوسیدونکو دا عادت شوی چی تل د نورو په تیره بیا د دولتی ادارو مرستو ته ناست وی او خپله یی هر څه له یاده ایستلی دی. داسی خلک شته دی چی نه یوازی دا چی له اړوندو ادارو سره مرسته نکوی، بلکی په وړاندی یسی نسوری ستونزی او خنډونه را برسیره کوی او د مایی څه په ویلو سره غواړی ټول کارونه یوی اداری ته پرېږدی، حال دا چی د ښار هر وگړی دخپل ښار او چاپیریال د ساتنی او څارنی په اړه د مسوولیت په درلودلو سره او ددی ښار د یوه سا احساسه وگړی په توگه، باید خان دی ته چمتو کړی تر څو له ښار څخه د ستونزو او نورو خنډونو او ناخوالو په لری کولو کی له اړوندو ادارو (ښاروالی) سره د زړه له کومی مرسته وکړی او د خپل وس او توان په انسدازه د ټولنیزو کارونو په ترسره کولو کی برخه واخلي. که چیری د نړی پرمخ تللو هیوادونو او ټولنو ته یو زغرده نظر واچوو، د ټولو پرمختگونو او سوکالیو د رامنځته کولو لپاره یی د هر اوسیدونکی په ذهن کی د یو والی، وروړولی او مرستو هیلی شسته دی او تل یی دخپل هیواد په آبادولو، رغولو او سمسورتیا کی د زړه له کومی برخه اخیستی. خو له بده مرغه چی زموږ په هیواد کی دغه فرهنگ یا خو له منځه تللی او یا خو ډیر کمزوری شوی او هیڅ څوک دی ته چمتو ندی ترڅو د خپل ښار او چاپیریال د ککړتیا او ناولتیا د مخ نیوی لپاره یو کاغذ هم له ځمکی څخه پورته کړی او یا خو خپل کثافات په ټاکلو خایونو کی واچوی. اوس چی کابل ښاروالی د ښار جوړولو او سمسورتیا ته ملا تړلی ده او په دې برخه کې د خپلو ښاریانو مرستو ته اړتیا لری، نو هر اوسیدونکی ته یی ښایی چی د ښار په جوړیدو کی له هیڅ راز مرستو ډډه ونکړی او په خپل منځ کی د یو والی، هم غږی او مرستی د فرهنگ په رامنځته کولو سره ددی ښار پاکوالی او سمسورتیا ته ملا تړی او خپل لاسونه دی دښاروالی په لاس کیږدی او د ښاری ستونزو د له منځه وړلو په موخه دی په ټولنیزو کارونو کی به برخه اخیستلو سره، خپل دینی او ملی مسوولیت پرځای کړی.

امروز یکی از مهم‌ترین مشکل نظافتی در شهر، کاربرد خریطه‌های پلاستیکی و بوتل‌های نوشابه است، که بعد از استفاده به شکل پراکنده و غیر قابل حل به چشم می‌خورد. استفاده از خریطه‌های پلاستیکی علاوه بر این که، در برهم زدن نظافت شهر به اصطلاح حرف اول را می‌زند، بنا بر تحقیقاتی که صورت گرفته، طبیعیان از اضرار آن به خصوص جا به جایی مواد غذایی با حرارت بلند در خریطه‌های پلاستیکی، نیز ابراز نگرانی کرده اند. اگر زباله‌های که روزمره در شهر تولید می‌شوند، محاسبه گردد، فیصدی قابل توجه آن را خریطه‌ها و اشیای پلاستیکی تشکیل می‌دهد که به دلیل غیر قابل حل بودن، سال‌ها باقی می‌ماند و در واقع آن چه که بیشتر به عنوان زباله و یا ناپاکی به

بناروالی غواری کابل بنار جور او سمور کری

دلسوز ۷

کال په بهیر کې، د پام وړ بناری خدمتونه ترسره کړي چې ټولو ته ښکاره دی. خو له بد ه مرغه چې، د بنار او چاپیریال په پاکولو او نورو ټولنیزو چارو په ترسره کولو کې د بناریانو مرسته نشته او که وی هغه هم ډیره کمزورې ده. خو که چیرې گران بناریان او نورې اړوند ه دولتی او غیر دولتی ادارې او سازمانونه، د بناری خدمتونو په ترسره کولو کې له بناروالی سره هر اړخیزې مرستې وکړي او بنار ته د خپل کور په سترگه وگوري، نو له شک پرته به بناروالی په دې وتوانیږي ترڅو د بناری ستونزو په له منځه وړلو او بناریانو ته دلازباتو آسانتیاوو په برابرولو کې لږېږي بریوې ترلاسه کړي.

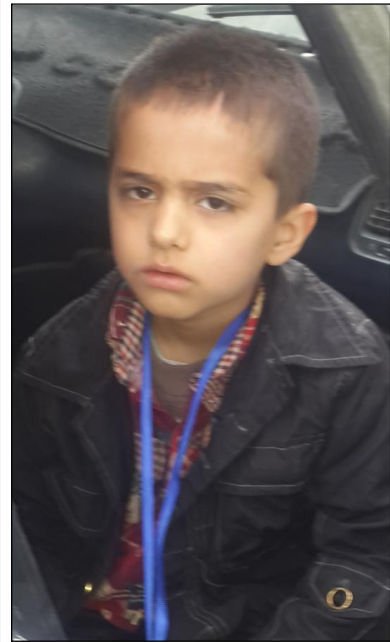


په بنار کې د بناری خدمتونو ترسره کول او بناریانو ته د آسانتیاوو برابرول د بناروالی له لمریوونو څخه شمیرل کېږي. دغه خدمتونه اداره هڅه کوي ترڅو بناری ستونزې یو بل پسې له منځه یوسي او په دې برخه کې دلازبات بریالیتوبونه ترلاسه کړي. د کابل بناروالی څوان مشر تابه پلاوي دا هود کړي چې تر خپل وسه به د بنار او بناریانو په چوپړ کې وی او په صداقت او ریښتینولي سره به د بنار په سمسورتیا او جوړولو کې خپلو نه ستړي کیدونکو هلوځلو ته دوام ورکوي. لکه چې بناریان یې په خپلو سترگو ویني، کابل بناروالی د تیر یوه کال په موده کې، په بنار کې د پام وړ کارونه ترسره کړي چې د ترسره کولو لړۍ یې اوس هم د بنار په بیلابیلو برخو کې روانه ده. د بنار دننه د ډیری سړکونو او پوښو د پاتې کارونو بشپړول، د بنار زرغونتیا، سمسورتیا او بیا رغولو پلانونه جوړول، د دغه ارکان له فعالیتونو څخه شمیرل کېږي چې په ډیره لنډه موده کې یې ترسره کړي دي چې باید سترگې ورباندې پټې نکړو. بله ستونزه چې کابل بناروالی غواړي د یو شمیر ادارو او کابل بناریانو په مرسته یې له منځه یوسي هغه په بنار کې د کثافاتو او کتنه کونې ډیروالی ده چې په دې برخه کې اوس هم هلې ځلې روانې دي،

کودک با استعداد امروز، افتخار فردای جامعه

فرشته امیرزاده ۷

مادر جانم می دانم، اگر آن‌ها مرا کمک نمی کردند من به این موفقیت نمی رسیدم. وقتی در مورد درس‌هایم پرسیده شد، این طور پاسخ داد: من به درس خواندن بسیار علاقه دارم و هر قدر که بخوانم و بنویسم، خسته نمی شوم. او گفت: علاوه بر این، به ورزش نیز علاقه خاصی دارم.



او املا و انشاء فوق العاده دارد و به کیبوتر نیز بلدیت دارد. عمران هنگامی که به پرسش‌ها پاسخ می داد، بسیار آرام، خون سرد و شمرده صحبت می کرد. او در رسامی نیز مهارت دارد. از او پرسیده شد که، در آینده چه آرزو دارید؟ گفت: آرزو دارم که در آینده یک داکتر خوب و لایق شوم تا از این طریق به وطن و هم وطنانم خدمت کنم.

کودکان که نونهالان آینده ساز جامعه ما هستند، لازم است تا در قسمت تعلیم و تربیه آن‌ها، سعی و تلاش به خرج داده شود، زیرا این نوباوگان، به پرورش و مواظبت جدی نیاز دارند. آن‌ها مانند گل‌های اند که اگر در قسمت تربیه و پرورش آن‌ها کوتاهی کنیم، آن‌ها پژمرده شده و از بین خواهند رفت. هرگاه به تعلیم و تربیه سالم آن‌ها پرداخته شود، آن‌ها در آینده‌ها به مقام‌های بلندی دست خواهند یافت و افراد موثری در جامعه ما خواهند بود. کودکی را سراغ گرفتیم که در مکتب ده کیچک، مصروف فراگیری تعلیم و تربیه بوده و از استعداد و توانایی‌های خوبی برخوردار است. این شاگرد با استعداد، عمران نام دارد. گرچه موصوف نظر به دیگر هم‌صنفانش، خوردتر است، اما از استعداد خوبی برخوردار است. والدینش در عرصه تعلیم و تربیه وی، زیاد کوشش می کنند و به همین منظور، هفته یک بار به اداره مکتب می آیند و در مورد رفتار، درس‌ها و حاضری وی با اداره مکتب به تماس می شوند. آمر مکتب در مورد عمران می گوید: عمران جان یکی از شاگردان بااستعداد این مکتب بوده و از استعداد خاص و فوق العاده برخوردار است. عمران جان پسر زیبا و جذاب، با چشم‌های سبز، هوشیار و ذکی به نظر می رسیده، وقتی نزدیک آمد سلام داد، وی پسر مودبی بود، بعد از احوال پرسسی، در مورد راز موفقیتش چنین گفت: یگانه راز موفقیتیم را در زحمات پدرجان و

با سعی و کوشش، علایق ما به شهر تأمین میگردد

برای این که پیوند ما به شهر و جایی که در آن زندگی و کار و تحصیل می کنیم، تأمین شده بتواند، ما را ناگزیر و ملزم می سازد تا یک سلسله ارزش‌ها، آداب، قواعد و مقرراتی را که برای ما وضع گردیده رعایت و عملی نماییم، در غیر آن صورت، واژه شهروند بودن و شهروند شدن در ما معنی نمی یابد. اما بر سبیل عادت بسیاری ها شهروند بودن و شهروند شدن را زندگی کردن در شهر و بهره گیری از سایر امتیازاتی که در شهر وجود دارد و یا توسط دولت فراهم می آید، می دانند. این نا آگاهی ها و رعایت نکردن مولفه‌های شهروندی، سبب شده است که امروزه دست نگر نهادهای خدماتی در شهر بمانیم و به اصطلاح خود را در غندی خیر جا زینم و این گونه طرز تفکر سبب شده است که ما حتی در جاروب کشیدن پیش روی دوکان و دروازه منزل نیز منتظر شاروالی بمانیم و یا درختی که در پیش روی منزل و یا دوکان ما ادامه صفحه ۷

پیاده‌رو یا کشتارگاه سيار حيوانات!

سپاهی ۷

کار و بار روزمره، قربانی منافع شخصی نشود و این بر همه شهریان است تا به همان اندازه که به فکر رونق دهی کار و بار خویش اند به فکر منافع شهر خویش نیز باشند. اگر منیحت شهروند به فکر منافع شهر خویش باشیم، هیچ گاهی قفسه‌های مرغ فروشی را تا نیم جاده عمومی به پیش نمی کشیم، در سرک‌های عمومی

پیدا کرده اند. اگر شهریان مسولیت‌های شهری شان را در قبال شهر، نقض نمایند، رفته رفته شهر کابل از این همه مشکلات نجات یافته و سهولت‌های شهری بیشتر احساس خواهد شد. سهولت در پیشرفت تجارت و کار نباید مانع رعایت قانون و نظم شهری شود، بلکه هر عمل شهری در پرتو اخلاق و قانون شهری و شهروندی صورت گیرد تا منافع عمومی در

دکان‌های قصابی به آن آویخته می شوند به بیرون از دکان‌ها نصب شده که نیمی از پیاده‌روها را مسدود کرده اند و این نیز در مشکل آفرینی برای سایر شهریان که می خواهند از پیاده‌روها استفاده نمایند، تأثیر نامطلوب داشته است. همین گونه حضور نامنظم دست فروشان در برخی از نقاط شهر نیز برای تردد عابران و وسایط نقلیه مشکل ایجاد کرده اند. اگر شهریان مسولیت‌های شهری شان را در قبال شهر، نقض نمایند، رفته رفته شهر کابل از این همه مشکلات نجات یافته و سهولت‌های شهری بیشتر احساس خواهد شد.

سهولت در پیشرفت تجارت و کار نباید مانع رعایت قانون و نظم شهری شود، بلکه هر عمل شهری در پرتو اخلاق و قانون شهری و شهروندی صورت گیرد تا منافع عمومی در

در برخی از نقاط شهر کابل، شماری از قصابان بی آن که به اصول، اخلاق و آداب شهری توجه داشته باشند، حیوانات را در پیاده روها ذبح می کنند که این کار از یک سو باعث آلوده شدن سطح پیاده‌روها شده و از سوی هم، سبب می شود تا عابران از مسیر پیاده‌روها رفت و آمد نکنند. نه تنها همین که ذبح می کنند، بلکه بقایایی مواد فضله حیوانی را نیز در جوی‌های نزدیک به محل کار شان می اندازند که باعث بندش جوی‌ها شده و آب از مسیر این جوی‌ها به خوبی عبور نکرده و به روی سرک‌ها بالا می آید که در نتیجه مشکلات فراوانی را به بار می آورد. اگر با اندک دقت از انجام کوچک‌ترین اشتباه جلوگیری به عمل آید، بدون شک از بروز مشکلات بزرگ در قسمت نظافت شهری جلوگیری می شود. در بعضی از نواحی شهر کابل، چنگک‌های قصابی که پاره‌های از بدن حیوانات در



جاهای معین آن می‌اندازیم، بلندگوهای تبلیغاتی را خاموش باید کرد، لوحه‌های ترکیبی از واژه‌های بیگانه را مروج نباید کرد و از این دست سایر موارد که همه شهریان به آن ملتفت اند و با کمال تأسف آگاهانه نقض می نمایند.

این در حالی است، که شاروالی کابل از چندی به این سو، برنامه تنظیم دست فروشان و کاهش ازدحام ترافیک شهری را روی دست گرفته است تا با تطبیق آن هم برای دست فروشان سهولت ایجاد شده و هم برای کاهش ازدحام ترافیک شهر موثر خواهد بود. افزون بر این، برنامه‌های آگاهی دهی در بخش‌های گوناگون عملاً در حال اجرا است. با این همه، اگر شهریان کابل مسولیت‌های شان را در قبال شهر عملاً انجام ندهند، بدون شک هر تلاش و کوشش از سوی شاروالی کابل به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.

مروری مختصری به ورزش بزکشی

سخنی احمدیار ۷

پهلوان سنگی است) بود. قد این مرد دو متر و وزنش ۱۹۰ کیلو و در زیبایی خود شهرت داشت. این مرد در سال ۱۳۶۰ از طرف دشمنان او به قتل رسید.

تربیه بزکش یا چاپ انداز

در شمال افغانستان خان‌های بزرگی وجود دارند که دارای چندین هزار گوسفند گاو و بز هستند. این خان‌ها به منظور رقابت بین همدیگر جوانان قوی را در سنین ۱۴-۱۸ سالگی تحت تمرین چاپ اندازی قرار می‌دهند. خان‌ها کوشش می‌نمایند بهترین اسب را داشته باشند. برای نگهداری اسب‌ها چندین نفر را استخدام می‌نمایند که به نام میتر یاد می‌شود. این جوانان برای چندین سال در خط دوم یا عقبی تمرین داده می‌شوند تا چاپ انداز ماهر شوند.

مقررات فدراسیون بزکشی افغانستان

مقررات ورزش بزکشی: هر تیم دارای ده نفر باشند. شلاق زدن به پهلوان چاپ انداز ممنوع است.

وقت این بازی یک ساعت و ۴۵ دقیقه می‌باشد.

میدان بزکشی دارای طول ۴۰۰ و عرض ۳۰۰ متر باشند.

فقط ۵ نفر بزکش از هر تیم می‌توانند در نصف بازی شرکت جویند.

هر نصف بازی ۴۵ دقیقه می‌باشد.

پس از ۴۵ دقیقه برای ۱۵ دقیقه تفریح وجود داشته باشد.

وزن بزغاله از ۵۰ کیلو اضافه نباشد.

کشتن و زخمی کردن عمدی ورزش کاران جرم است.

بازی توسط داور اداره شود.

داور حق دارد که وقت بازی یک چاپ انداز را کم زیاد و تمدید کند.

لباس چاپ انداز و زین اسب، وزن و طول شلاق به معیار حفاظتی برابر باشد.

کشورهای چون ازبکستان تاجیکستان ترکمنستان، قرغیزستان، قزاقستان پس از آزادی و مجزا شدن از دولت شوروی، بزکشی را در کشور خود مروج ساختند که آهسته آهسته در حال انکشاف است. امکان آن می‌رود، در آینده خیلی نزدیک مسابقات جهانی بزکش بین ۸-۱۰ کشور آسیای میانه براه انداخته شود. و به ملیون‌ها تماشاچی غرض تماشا بزکشی خواهند آمد.

روزی خواهد رسید که مانند جشن دیواری هند، گاو بازی و جنگ بادنجان رومی اسپانیا، بازی جهانی گردد.

در افغانستان این بازی در میان تمامی اقوام افغانستان رواج دارد. در شمال افغانستان علاقه‌مندان زیاد داشته و در مجموع به عنوان ورزش فرهنگی مردم شمال شناخته می‌شود. فعلاً به جز ولایات جنوبی در ۲۸ ولایت افغانستان تیم‌های منتخب وجود دارد. نحوه انجام بازی به این صورت است که عده بی سوار بر اسب برای جابه جا کردن لاشه یک بز یا گوساله تازه ذبح شده با هم به رقابت می‌پردازند. سوار کاران باید لاشه بز را در حین سوار کاری از روی زمین برداشته و آن را با پیشی گرفتن از رقیب در محل مشخصی که معمولاً یک دایره علامت گذاری شده در زمین بازی است، بر زمین بگذارند. بازیگران بزکشی که در افغانستان چاپ‌انداز نامیده می‌شوند گاه برای کسب مهارت به سال‌ها تمرین نیاز دارند.

لاشه مورد استفاده در بزکشی معمولاً ذبح شده و دست و پاهایش از زانو به پایین قطع می‌شود. لاشه را برای سفت شدن حدود ۲۴ ساعت قبل از بازی در آب سرد می‌خوابانند. گاهی برای افزودن بر وزن لاشه درون آن را پر از سنگ می‌کنند.

بنا بر نوشته دانشنامه ایرانیکا، بزکشی در افغانستان از حمایت دولت‌های متوالی برخوردار بوده است، به نحوی که در زمان محمد ظاهر شاه (تا ۱۹۷۳) این مسابقات هم‌زمان با جشن تولد شاهنشاهی برگزار می‌شد. رژیم‌های بعدی تاریخ مسابقه را به سالروز سازمان ملل متحد تغییر دادند. در شمال افغانستان حداقل قبل از تجاوز شوروی در ۱۹۷۹، تا چند صد سوار کار می‌توانستند هم‌زمان با هم در نوع خاصی بزکشی که در زبان فارسی دری به توده بر آئی معروف است به رقابت بپردازند. این رقابت در جشن‌های عروسی و ختنه رایج بود. سوار کاران بزکشی که به نام چاپ انداز یاد می‌شوند مردان خیلی قوی می‌باشند که خوراک آن‌ها شوربای گوشت می‌باشند. در مسابقات پر هیجان بزکشی کسی که بز را می‌خواهد از زمین بالا کند یا در حال انتقال به دایره حلال باشد، دیگران حق شلاق زدن بزکش را دارند. در یک مسابقه یک چاپ انداز پر مهارت به صدها یا هزار شلاق می‌خورد تا بز از دستش افتد. به منظور کم شدن درد چاپ اندازان کلاگرد یا تفر و لباس زیاد می‌پوشند. به همین منظور روسها این بازی را در کشورهای آسیای میانه منع قرار داده بودند. در بازی بزکشی امکان زیاد شکستن دست و پا وجود دارد، بعضاً چاپ اندازها عمر خود را از دست می‌دهند. مشهورترین پهلوان بزکش در تاریخ افغانستان تاش پهلوان (در ازبکی به معنی

جست و جو در عوامل شعر نیمایی، به این زبان و بیان رسیده باشد. استواری زبان این سروده‌ها را زمانی می‌توانیم بهتر دریابیم که، برگردیم و آن را با نیمایی‌های بلند آن روزگار مقایسه کنیم! در بخشی از نیمایی‌هایی دههٔ چهل و حتا پنجاه افغانستان می‌بینیم، این تنها افاعیل است که شکستنده شده اند، دیگر شعر با همان دید، تکنیک، زبان و افزارهای تصویر پردازی سنتی است که به نام شعر نیمایی شکل گرفته است.

ادامه دارد

رفت حسینی با پرچم بلند کوتاه سرایی

پرتو نادری ۷

تو که می‌آیی
تو که می‌آیی و عطر بدنت
در فضا می‌پیچد
لحظه‌ها را همه معتاد تنت
می‌سازی
شب محاط چشمت
لحظه‌ها می‌میرند
بی تو می‌دانی
بی تو
لحظه‌ها می‌میرند

نمونه دیگری که در آن حسن و عاطفه عاشقانه، به گونه‌ی بی‌بیان شده است، که خواننده را تا آن‌سوی شبکهٔ واژه‌ها باخود می‌برد. هر چند که امشب همه هستی من
یک سره شعراست
باری، تو مگو
شعر دگر، تازه سرایم
ای خوب تر از شعر
بگذار که امشب
تن من
شعر تنت را بسراید
«کابل ۱۳۴۳»
ونمونهٔ سوم:
حکایتی که لب
در سکوت حتا
داشت
باری،
وداع باور ما را دید
دیگر زبان گنگ نگاهت، نیز
جانا
توان معجزه‌هایش نیست
برگو! چه بوده است و چی باید
به روزگار بین من و تو
تلاش قصهٔ تو
غصه‌های باور ما را
خراش خواهد داد
«کابل ۱۳۴۹»

کوتاه‌های رفعت این گونه آغاز می‌شوند، وقتی به زبان، تکنیک و پیام شاعرانه این سروده ۲۰ توجه می‌کنیم، پرسشی که در ذهن بیدار می‌شود این است که، آیا این نخستین سروده‌های شاعر است یا این که او پیش از این نیز تجربه‌هایی داشته است. بدون تردید باید رفعت پس از سال‌ها تجربه و جست و جو در عوامل شعر نیمایی، به این

گونه است! نمی‌شود همه چیز را در همان حلقهٔ ناجور ادبی، که نفس می‌کشد، با یاران گرمایه و گلستان خود رنگ و بی‌زند که خود می‌خواهد، چنین افرادی شاید می‌پندارند که بیرون از ذهن آنان حقیقتی وجود ندارد. من با رفعت حسینی در دوران دانشگاه به وسیلهٔ مجله ژوندون که خوانندگان زیادی داشت، آشنا شدم، شعرهای کوتاه او در این مجله نشر می‌شدند، هنوز بحثی به نام شعر کوتاه در افغانستان وجود نداشت و من از آن روزگار نام دیگری را به یاد ندارم که به چنین شعری پرداخته باشد. جای دارد همین جا گفته شود، که مجله ژوندون در آن روزگار، با نشر شعر کوتاه رفعت حسینی، زمینه معرفی این گونه شعر را در میان خوانندگان شعر فراهم آورده بود. در لیلیه شبانه پوهتون کابل، هم اتاقی داشتیم که ریاضی و فزیک می‌خواند، وقتی به اتاق می‌آمد، دو دست را می‌گشود و گویی می‌خواست کسی را در آغوش کشد، بعد با لهجه خاصی می‌خواند: «وقتی می‌آیی، لحظه‌ها را همه معتاد تنت می‌سازی» و منتظر واکنش ما می‌ماند، بعد کسی می‌گفت: حتماً این دیوانه عاشق شده و ما همه می‌خندیدیم و او نیز.

تاجایی که دیده شده، رفعت حسینی در شعر کوتاه نمونه‌هایی دارد از نیمهٔ دوم دههٔ چهل خورشیدی، شاید بتوان گفت که، شاعری رفعت با کوتاه سرایی آغاز شده است. درست این زمانی است که هنوز شعر آزاد عروضی در افغانستان گام‌های نخستین خود را بر می‌داشت، هنوز هواخواهان چندان نداشت و شماری هم آن را به نام شعر نمی‌پذیرفتند. بی‌توجهی به شعر کوتاه در آن روزگار، می‌تواند این دلیل را هم داشته باشد که، هنوز ذهن ادبی ما با شعر کوتاه به درستی آشتی نکرده بود و از چنین شعرهایی لذت ادبی نمی‌برد. افزون بر این، همان سخنی که پیش از این گفته شد شاید پنداشته می‌شد که شاعر بلند مقام مدرن کسی پنداشته می‌شد که، شعرهای بلند نیمایی یا سپید می‌سرود. چنین است که در شعر شماری از شاعران در می‌یابی که، شعر در جایی پایان یافته، اما شاعر برای آن که شعر بلندی بسازد آن را کش داده است.

بدون هرگونه مجامله‌ی، با شناختی که از سرگذشت شعر مدرن افغانستان دارم، می‌خواهم در آغاز بگویم که، بنیانگذار شعر کوتاه در افغانستان به گونهٔ مدرن آن، رفعت حسینی است. من نوشتهٔ که سزاوار جایگاه او در این پیوند بوده باشد، هنوز نخوانده‌ام و این نوشته نیز چنین چیزی را ادعا ندارد.

در سال‌های پسین که گرایش به کوتاه سرایی نسبت به گذشته‌ها بیشتر شده است، گاهی این جا و گاهی آن جا به نوشته‌هایی در پیوند به کوتاه سرایی در افغانستان نیز بر می‌خوریم که در چنین نوشته‌هایی یا نامی از رفعت حسینی نیست، یا هم نام او را در کنار شاعران جوان دههٔ شصت خورشیدی ردیف می‌کنند، که گویا پایه گذاران شعر کوتاه در افغانستان اند. در حالی که این رفعت حسینی است، که راه را به سوی کوتاه سرایی در افغانستان گشوده است و او یگانه پیش گام شعر کوتاه در کشور است. زمانی که رفعت به کوتاه سرایی روی آورده بود، این نام‌های که در کنار نام او ردیف می‌شوند که گویا پایه گذاران شعر کوتاه در افغانستان اند، یا به دنیا نیامده بودند، یا شاگردان مکتب بودند.

نخستین سروده‌های رفعت حسینی، به نیمهٔ دوم دههٔ چهل خورشیدی بر می‌گردد. من می‌اندیشم که کوتاه سرایی در افغانستان، به گونهٔ مدرن آن از این زمان آن سوتر نمی‌گذرد. شاید شاعرانی هم بوده باشند که هم‌زمان با رفعت حسینی، کوتاه سرایی را تجربه کرده باشند، اما این رفعت حسینی است که به گونهٔ دوام‌دار شعر کوتاه را از همان نخستین سال‌های شاعری اش تا کنون پی گرفته است.

این که شماری هنوز درک درستی از تحول و دگرگونی شعر معاصر افغانستان را ندارند، شاید مشکل به این امر بر می‌گردد که، آنان خود را از هرگونه بررسی تاریخی شعر و ادبیات افغانستان بی‌نیاز احساس می‌کنند و من با کسانی برخورد کرده‌ام که می‌پندارند، گویا هر دگرگونی در شعر و ادبیات افغانستان، پس از فروپاشی طالبان به میان آمده است. بسیار شنیده‌ام که مردم افغانستان را نکوهش می‌کنند که گویا حافظهٔ تاریخی ندارند، این سخن باشد به جای خود، اما زمانی که در پیوند به ادبیات و شعر به چنین داوری‌هایی بر می‌خوریم، می‌توان گفت که، شاید ماحافظهٔ فرهنگی و ادبی را نیز نداریم.

این که شماری می‌گویند: افغانستان چیزی در ادبیات معاصر خود ندارد، شعر، داستان و رمان ندارد و ما از گذشته چیزی را نیاموخته‌ایم و در گذشته چیز قابل توجهی وجود نداشته است، می‌توان باور کرد که، این گونه داوری‌ها از آنانی بر می‌خیزد که یا گماشته‌گانی اند و می‌خواهند گونه‌ی از خود بیگانه‌گی فرهنگی را تبلیغ کنند، یا هم همان بقیه‌هایی افتاده در چاه اند، که آسمان را به اندازهٔ دهن چاه می‌بینند. وقتی کسی بر می‌خیزد و گویا سرگذشت یک جریان شعری را بررسی می‌کند، باید بداند که، این شعر از کجا می‌آید، سرگذشت آن چه



کابل در اسناد قدیم

کابل پایتخت سرزمین آزادگان و دلاوران، در طول تاریخ شهری است باستانی، که شالوده قدیمی ترین پدیده‌ها و مظاهر مدنیت‌ها و تمدن‌های عصر آریایی‌ها تا ورود اسلام که در پهنه از شکوه و جلال سربر آورده و در واقع موجودیت دوره‌های بزرگ تاریخی و فرهنگی را از سرگذرانیده و می‌توان گفت که، دودمان‌های در پارهٔ اعصار، در این سرزمین زیبا قدم گذاشته و تاریخ این سرزمین، یعنی کابل باستان را رنگ، رونق و نمای کابلیان و رادمردان آن متجلی ساخته است.

تاریخ گذشته: سیمای کابل، که نمایشگر میراث بزرگ از تمدن‌های آسیایی و مدیترانه‌یی در برهه‌های متفاوت زمان بوده، سرزمینی است، از شانزده قطعه مناطق آریانا و در آن وجود باشندگان آریایی، سلسله‌های باختری، پارت، ساکی، کوشانی، کیداری، ساسانی، یفتلی و بالاخره کابل شاهان و هندوشاهیان تا ورود اسلام عزیز با داشتن عقاید مختلف دینی و مذهبی در تبلور عظمت‌ها و فرآورده‌هایی بی بدیل در طول تاریخ سرزمین افغانستان، سر بلند نموده است.

بدین سان هر بیننده با دیدن عظمت‌های

کابل پایتخت سرزمین آزادگان و دلاوران، در طول تاریخ شهری است باستانی، که شالوده قدیمی ترین پدیده‌ها و مظاهر مدنیت‌ها و تمدن‌های عصر آریایی‌ها تا ورود اسلام که در پهنه از شکوه و جلال سربر آورده و در واقع موجودیت دوره‌های بزرگ تاریخی و فرهنگی را از سرگذرانیده و می‌توان گفت که، دودمان‌های در پارهٔ اعصار، در این سرزمین زیبا قدم گذاشته و تاریخ این سرزمین، یعنی کابل باستان را رنگ، رونق و نمای کابلیان و رادمردان آن متجلی ساخته است.

تاریخ گذشته: سیمای کابل، که نمایشگر میراث بزرگ از تمدن‌های آسیایی و مدیترانه‌یی در برهه‌های متفاوت زمان بوده، سرزمینی است، از شانزده قطعه مناطق آریانا و در آن وجود باشندگان آریایی، سلسله‌های باختری، پارت، ساکی، کوشانی، کیداری، ساسانی، یفتلی و بالاخره کابل شاهان و هندوشاهیان تا ورود اسلام عزیز با داشتن عقاید مختلف دینی و مذهبی در تبلور عظمت‌ها و فرآورده‌هایی بی بدیل در طول تاریخ سرزمین افغانستان، سر بلند نموده است.

بدین سان هر بیننده با دیدن عظمت‌های

اسم ویکرته نام است در زند اوستایی و هفتمین سر زمین، که همانا کابل بوده و نیز به کاپول تلفظ می‌شده است.

اهریمنی به اسم پیر کاکناتی در ویکرته یعنی کابل، مفکوره بت پرستی را در هزاره قبل از میلاد شروع نمود و در داستان‌های زردشتی «پریکا» پهلوان با قدرت و نیروی خارق‌العاده، بت پرست گردید که توسط ساوشیایی زردشتی فرزند زردشت سپنتمان بر این پهلوان غالب گردید و آیین او را از میان برد.

معلوم است که قبل از اشاعهٔ دین زردشت، نیایش تجسمات در سرزمین کابل و کابلستان، مروج بوده و معابد متعددی در کابل قدیم نضج یافته بودند.

بعضی از محققان، بنای کابل را در عهد اردشیر پسر اسپندیان و جانشین «کی ویشناسب» می‌دانند که به قصد انتقام مرگ پدر خویش از رستم کابلی و خانوادهٔ او بعد از تسخیر سگستان، وارد این شهر گردیده بود پارتیان منجمله گندوفارس نیز از تسلط این شهر از دست هراتوس، آخرین شاه یونان- باختری ابا نه ورزیده و هوهان شو از رویدادهای که به وسیلهٔ حاکمان آن دوره در این سر زمین منجمله کابل صورت پذیرفته، بی سخن نمانده است.

ادامه دارد

از تغزل تا غزل

بخش دوم و پایانی

غزل عاشقانه:

موضوع مورد بحث در غزل‌های عاشقانه، توصیف خط و خال و جمال یار است و معشوق نیز جنبهٔ زمینی دارد، اما پست و بازاری نیست. انوری این نوع غزل را جان تازه بخشید و سعدی آن را به کمال رسانید.

سعدی شیرازی «وفات: ۶۹۱»

قرن هفتم هجری، قرن اوج غزل است، سعدی شیرازی، نمایندهٔ تمام عیار غزل‌های عاشقانه این قرن محسوب می‌شود. سعدی را از نظر روانی، زیبایی، فصاحت و بلاغت کلام، منتهای زبان فارسی دانسته اند. سخن او سهل و ممتنع و دارای الفاظ مستعمل و همه فهم و در عین حال فصیح است. گفته اند او از کلمات چنان استفاده کرده است که بهتر از آن ممکن نیست. غزل‌های سعدی عاشقانه و متضمن معانی عشقی لطیف و آمیخته با اندیشه‌های صوفیانه و اندرز است. لطافت زبان سعدی و نزدیکی آن با زبان توده باعث شده بود که غزل‌های او در بین مردم رواج کلی پیدا کند.

نمونهٔ غزل سعدی:

تو از هر در که باز آیی بدین خوبی و زیبایی
دری باشد که از رحمت به روی خلق بگشایی
ملاحت گوی بی حاصل ترنج از دست نشناسد
در آن معرض که چون یوسف جمال از پرده بنمایی
به زیورها بیاریند وقتی خورویان را
تو سیمین تن چنان خوبی که زیورها بیارایی
چو بلبل روی گل بیند زبانش در حدیث آید
مرا در رویت از حیرت فروسته است گویایی
تو با این حسن توانی که روی از خلق درپوشی
که هم چون آفتاب از جام و حور از جامه پیدایی
تو صاحب منصبی جانا ز مسکینان نیندیشی
تو خواب آلوده‌یی بر چشم بیداران نبخشایی
گرفتم سرو آزادی نه از ماء مهین زادی
مکن بیگانگی با ما چو دانستی که از مایی
دعایی گر نمی گویی به دشنامی عزیزم کن
که گر تلخ است شیرین است از آن لب هر چه فرمایی
گمان از تشنگی بردم که دریا تا کمر باشد
چو پایانم برفت اکنون بدانستم که دریایی
تو خواهی آستین افشان و خواهی روی درهم کش
مگس جایی نخواهد رفتن از دکان حلوایی
قیامت می کنی سعدی بدین شیرین سخن گفتن
مسلم نیست طوطی را در ایامت شکرخایی
غزل تصوفی یا عارفانه:
پایه گذار غزل عارفانه در شعر فارسی، سنایی
غزنوی است. سنایی با وارد کردن مضامین

غلامی

عرفانی و صوفیانه، اساس غزل عارفانه را گذاشت. هر چند پیش از وی، نشانه‌های اولیهٔ مضامین عرفانی در شعر فارسی بر می‌گردد به قرن چهارم هجری در آثار ابوسعید ابوالخیر، منصور حلاج و دیگران. اما سنایی اولین کسی است که، معانی صوفیانه را بگونهٔ وسیعی در غزل و قصاید خود مطرح کرد که بعدها به وسیلهٔ عطار و نظامی تکامل یافت و با مولانای بلخی به اوج رسید.

عطار نیشابوری (وفات: ۶۲۷ هجری)

غزل‌های شیخ فریدالدین عطار، نشان دهندهٔ تحول و تکامل غزل عرفانی فارسی است. غزل عارفانه در قرن هفتم هجری، با شیخ عطار وضع مشخصی پیدا می‌کند. عطار با جا دادن مضامین عرفانی در آثارش، الگوی شاعران بزرگی چون حافظ و مولانا گردید. طوری که خود مولانا در بیتی به این موضوع اشاره می‌کند:

عطار روح بود و سنایی دو چشم او

ما از پی سنایی و عطار آمدیم

نمونه از غزلی ملکوتی عطار:

هر شور و شری که در جهان است

زان غمزهٔ مست دلستان است

گفتم لب اوست جان، خردگفت

جان چیست مگو چه جای جان است

وصفش چه کنی که هر چه گویی

گویند مگو که بیش از آن است

غمه‌اش به جان اگر فروشد

می‌خر که هنوز رایگان است

ای ساقی بزم ما سبک‌خیز

می‌ده که سرم ز می گران است

در جام جهان نمای ما ریز

آن باده که کیمیای جان است

ای مطرب ساده ساز بنواز

کامشب شب بزم عاشقان است

از رفته و نامده چه گویم

چون حاصل عمرم این زمان است

ما را سر بودن جهان نیست

ما را سر یار مهربان است

این کار نه کار توست خاموش

کین راه به پای رهروان است

کاری است بزرگ راه عطار

وین کار نه بر سر زبان است

رهنمودی بر جدانویسی، پیوسته‌نویسی و نیم‌فاصله‌نویسی

داکتر یعقوب یسنا

پیوسته‌نویسی و نیم‌فاصله‌نویسی را بنابه کدام قواعد باید رعایت و اجرا کنیم. اگر بخواهیم جدانویسی، نیم‌فاصله‌نویسی و پیوسته‌نویسی را رعایت کنیم،



قاعده و قانون باید وضع کرد؛ این قاعده و قانون را باید از ساختن منطقی واژه‌سازی زبان فارسی دری استخراج کرد. در صورتی که توانیم قاعده و قانون وضع کنیم، در غیر آن هر گونه پیشنهاد و ابراز نظر، سلیقه‌یی خواهد بود.

مشکل این است که ما همیشه دو قطبی عمل می‌کنیم، یا کاملاً جانب سنت استیم که به این جانب‌داری سنت‌زدگی گفته می‌شود یا نادانسته، شیفتهٔ آوانگاردیسم و پست‌مدرنیسم‌ایم که این جانب‌داری ایسم‌زدگی است. بهتر این است با درک سنت روبه‌سوی مدرنیت داشت و نوگرایی را اعمال کرد.

ادامه صفحه ۷

و ناآشنا شود؛ طوری که در تاجیکستان صورت خط فارسی دری تغییر کرد، به جای آن از صورت خط روسی استفاده می‌شود؛ بنابراین نسل کنونی تاجیک، نمی‌توانند متن‌های به خط فارسی دری را

نوشته‌ها را «دستور خط / نوشتار» نامیده‌اند. خط فارسی دری یکی از نوشتارهای رسمی افغانستان و منطبقه است که اسناد رسمی، مکاتبات، کتاب‌های علمی و پژوهشی و کتاب‌های درسی به این خط نوشته می‌شوند که پیشینه‌یی بیشتر از هزار سال دارد. طبعاً چنین خطی باید قواعد و ضوابط معلوم و مدون داشته باشد تا همگان با رعایت آن، هویت خط را تثبیت کنند و محفوظ بدارند.

در خط فارسی دری میان اهل نظر، اختلاف سلیقه وجود دارد تا اندازه‌ی می‌توان با این سلیقه مدارا کرد، اما در نگارش علمی بهتر است که رسم خط و نوشتار یک‌دست و شناخته‌شده‌یی را رعایت کنیم.

نگهداری چهره خط و الفبا

حفظ چهره و صورت خط در تأمین و حفظ پیوستگی فرهنگی زبان، نوشتار و ادبیات نقش اساسی دارد؛ نباید شیوه‌یی را برگزید که چهرهٔ خط فارسی دری به صورتی دیگر تغییر کند، مشابهت خود را با آنچه در گنجینه زبان فارسی دری دارد از دست بدهد که متن‌های کهن برای نسل کنونی و نسل‌های آینده نامأنوس

بخوانند، در حالی که به فارسی دری سخن می‌گویند اما با خط روسی می‌نویسند.

جدانویسی و پیوسته‌نویسی

فاصله‌گذاری میان کلمه‌ها، جدانویسی و پیوسته‌نویسی کلمه‌ها امری ضروری است، اگر رعایت نشود، سبب بدخوانی و ابهام می‌شود.

در نگارش فارسی دری سه اصل را در پیوسته‌نویسی و گسسته‌نویسی کلمه‌ها رعایت باید کرد: جدانویسی (یک اسپیس)، پیوسته‌نویسی (بدون اسپیس)، نیم‌فاصله‌نویسی در سیستم ویندوز (شیفت+اندرسکور) و در سیستم میکنتاش (شیفت+سپیس). اما مهم این است که جدانویسی،

فشرده فعالیت‌های تعدادی از نواحی شاروالی کابل طی ماه حوت سال گذشته

ریاست ناحیه پانزدهم:

در بخش عواید:

- محصول صفایی، مبلغ ۲۴۰۷۶۱ افغانی.
- محصول جواز صنفی، مبلغ ۶۶۰۰۰ افغانی.
- محصول تگس لوحه‌ها، مبلغ ۷۵۰ افغانی.
- محصول جرایم اصناف مختلف، مبلغ ۲۲۰۰ افغانی.
- فیس مهندسی، مبلغ ۲۲۵۰ افغانی.
- کرایه جات، مبلغ ۸۳۳۲۱ افغانی.

در بخش آمریت تنظیف:

- انتقال کثافات، ۱۷۰۰ متر مکعب.
- جویچه پاک، ۶۱۰۰۰ متر.

ریاست ناحیه بیستم:

در بخش مدیریت عواید:

- از درک جواز صنفی، مبلغ ۴۵۰۰ افغانی.
- تگس لوحه‌ها، مبلغ ۲۲۹۹ افغانی.
- جریمه اصناف، مبلغ ۵۰۰ افغانی.

در بخش تنظیف:

- جمع آوری کثافات از بازار چهار آسیاب



(TOT) که از تاریخ ۱۵ اپریل الی ۳ می ۲۰۱۸

در کشور هندوستان دایر می‌گردد.

بخش مدیریت ارتباط کارکنان:

- پیش‌نویس طرز العمل کمیته حل اختلافات.
- ترتیب پلان کاری سالانه مدیریت ارتباط کارکنان.

ریاست صحت محیطی و محیط زیست:

در بخش مدیریت کنترل مواد غذایی:

- به تعداد ۲۲۲ صنف مختلف در ساحات نواحی ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، و ۱۲ تحت بررسی قرار گرفت، به ۶۶۶ تن از کارگران اصناف توصیه‌های صحت محیطی صورت گرفت.
- ۲۲ باب خبازی، ۴۵ باب قصابی، ۱۲۹ باب خوراکی فروشی، ۳۴ باب مالگدام، ۲ باب کلچه پزی بررسی و کنترل گردید و مقدار ۳۵۲ کیلو گرام مواد تاریخ گذشته جمع آوری گردید و متخلفین مبلغ ۲۴۵۰۰ افغانی توسط نماینده تنظیم مارکیت‌های نواحی جریمه نقدی گردیدند.

در بخش مدیریت کنترل اماکن:

در ساحات نواحی ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، و ۱۲ به تعداد ۱۳۳ اصناف مختلف بررسی گردید و به ۳۹۹ تن از کارگران اصناف توصیه‌های لازم داده شد، اصناف متذکره شامل ۳۲ باب رستوران و هوتل، ۱۴ باب برگر و آب میوه فروشی، ۹ گنبد حمام و سقابه، ۱۵ باب سلمانی، ۱۰ باب چپلی کباب پزی، ۳۲ باب مواد شوینده، ۲۱ عراده کراچی بولانی پزی می‌باشد. توزیع ۳۰ قطعه استعلام غرض تکمیل نمودن معاینات صحی برای کارگران و هم چنان توزیع ۲۵ قطعه کارت صحی. متخلفین مبلغ ۸۶۰۰ افغانی توسط مدیریت تنظیم مارکیت‌های نواحی جریمه نقدی گردید.

در بخش مدیریت جلوگیری از آلودگی محیط زیست:

در ساحات نواحی ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، و ۱۲ به تعداد ۶۴ صنف مختلف بررسی گردید، به ۱۹۲ تن از کارگران اصناف توصیه‌های لازم محیط زیستی داده شد. اصناف متذکره شامل ۴ دربند سرای، ۲۲۲ باب شفاخانه، ۲ باب موتورسایکل سازی، فلز کاری، ۶ باب دکان نجاری، ۲ قالین شویی و ۱ موتورشویی و ۲ باب جنراتور سازی می‌باشد. هم چنان با کمیسیون مشترک اداره ملی نورم و استاندارد به تعداد ۱۶ پایه پمپ‌استیشن کنترل و توصیه‌های محیط زیستی صورت گرفت.

ریاست حفظ، مراقبت و کار:

- ۱- کار پروژه سرک شهرک امنیت ملی واقع ناحیه ۱۲: شامل نصب استیل گرتینگ ۲۵ عدد معادل ۵۰ سیت. کندنکاری کناره‌های عقبی سنگ کاری غرض قالب بندی، ۸ متر مکعب. قالب بندی بالای جویچه، ۲۸۰ متر مربع. سیم تابی بالای جویچه‌ها، ۴۴۰ متر مربع. کانکریت سیخ‌دار جویچه از مواد اضافی و کثافات، ۴۰ متر مکعب. کندنکاری تخته‌های قالب بندی شده، ۲۸۰ متر مربع. کندنکاری عقب کانکریت به خاطر نصب کرب ستون، ۵ متر مکعب. قالب بندی نصب کرب ستون‌ها، ۶۶ متر مربع. نصب کرب ستون‌ها، ۲۰۰ متر.
- ۲- در بخش مدیریت ساختمان: ریخت پلر، ۱۰۰۰ عدد. تحکیم سواحل دریای کابل به ادامه قلعه زمان خان مربوط ناحیه ۹: شامل سنگ کاری، ۱۱۱/۴۴ متر مکعب. هنگاف کاری، ۱۱۲/۹ متر مربع. تحکیم سواحل دریای کابل به ادامه قلعه زمان خان



عبادی V

مربوط ناحیه ۱۶: شامل سنگ کاری، ۴۴/۱۶۶ متر مکعب. کندنکاری و لیول کاری ۳۰۰ متر مکعب. هنگاف کاری روی سنگ کاری، ۱۲۰ متر مربع. پرکاری عقب سنگ کاری، ۴۰/۳۲ متر مکعب. تحکیم سواحل دریای کابل ساحه پل حسن خان مربوط ناحیه ۷: شامل کندنکاری و لیول کاری ۱۸/۶ متر مکعب. سنگ کاری، ۵۳/۸۶ متر مکعب. هنگاف کاری روی سنگ کاری، ۹۴/۷۴ متر مربع. پرکاری عقب سنگ کاری، ۱۰/۵ متر مکعب. اعمار کانال قرینه بینی حصار مربوط ناحیه ۸: شامل کندنکاری و لیول کاری، ۷۶/۸ متر مکعب. جغل فرش کف کانال، ۳۰/۵ متر مکعب. پروژه اعمار باغ وحش: شامل قالب بندی، ۵۹/۲۲ متر مربع. شیفته بالای دیوار، ۳/۴۳ متر مکعب. پلسترکاری، ۲۳/۹ متر مربع.

۳- در بخش ورکشاپ‌ها: ترمیمات خفیفه: ۴ عراده، ترمیمات جاریه ۱۷ عراده، ترمیمات در ساحه ۶ عراده، ترمیمات وسایط مختلف‌النوع در بخش آهنگری، خردای، کپی کشی، ویرنگ کاری، فلز کاری، گیس کاری و ولدینگ کاری ۲۱

ریاست تنظیف:

- ۱- جمع آوری مقدار ۹۵۸۵/۸۰۳ تن زباله از سطح نواحی ۲۲ گانه شهر و انتقال آن به ساحه گزک دوم.
- ۲- تخلیه و انتقال ۶۱۰ متر مکعب فاضلاب چاه‌های سپتیک منازل شخصی، ادارات دولتی و تشابه‌های عامه به محل معین آن.
- ۳- انتقال و تخلیه مقدار ۱۶۹۰ متر مکعب آب‌های ایستاده و اضافه جویچه‌های



کنار جاده توسط وسایط تانکری به جای معین آن.

۴- واکسین ۳۲۴ فلاده کلپ‌های ولگرد به همکاری موسسه مهیو انیمل هوم.

ریاست سرسبزی:

- غرس نهال‌های مختلف‌النوع، ۱۳۴۰ اصله.
- چمن کاری ساحات، ۲۸۳۲ متر مربع.
- غرس گل‌های مختلف‌النوع، ۲۴۶۰ بته.
- کشت تخمیان جات فصلی، ۴۰۰ متر مربع.

در بخش GIS ۵ - ترتیب و آماده سازی ارقام ناحیه ۶ جهت اپدیت نمودن نقشه و پیشرفت ۲۵٪ کار آن. تکمیل نمودن اپدیت عمومی ناحیه ۸ نظر به تصویر فضایی سال ۲۰۱۶.

عمومی ناحیه ۷ نظر به تصویر فضایی سال ۲۰۱۶ و پیشرفت ۵۰٪ کار آن. ۶- فعالیت فابریکه تولیدی تره خیل: انتقال ویرینگ کورس جهت ترمیم و داغگیری سرک‌های داخل شهر کابل، ۳۳۱/۶۴ تن. انتقال مواد بیس کورس به سرک پروان سوم، ۵۸۸

در بخش مدیریت عواید عمومی آموزش و ارتقای

اطلاعیه‌های ...

به تاسی از مکتوب شماره (۲۷۷-۰) (GAF ۱۳۹۷/۲/۱) آمریت لیلام و واگذاری ریاست عمومی اداری معینیت محترم اداری وزارت مالیه، اجناس داغمه ذیل:

۱- به تعداد ۶۳۰۲ قلم پرزه‌جات داغمه.

۲- به تعداد ۴۱۸۰ قلم افزار کار داغمه (بیل، کلند، کشک و غیره).

۳- به تعداد ۷۶ عراده وسایط داغمه.

۴- به تعداد ۱۸۷۰ عدد بطری‌های داغمه مختلف‌النوع.

تحت نظر هیأت مؤظف به بلندترین قیمت به نفع دولت در معرض لیلام قرار داده می‌شود، شرکت‌ها، سازمان‌ها و اشخاص انفرادی که خواهش اشتراک در پرسوه داوطلبی را داشته باشند، به تاریخ ۱۳۹۷/۲/۲۹ ساعت ده بجه قبل از ظهر به ریاست تنظیف شاروالی کابل واقع چهارراهی سرسبزی مقابل هتل شام پاریس تشریف آورده تضمین تقدماً اخذ می‌گردد.

اشخاص دیر رسیده از موعد و زمان تعیین شده نمی‌توانند در پرسوه اشتراک ورزند.

جلسه هماهنگی میان ...

پوهنیا عبدالله حبیب‌زی سرپرست شاروالی کابل، روز شنبه هفته جاری دایرگردید. در این جلسه که ریسان و نمایندگان تعدادی از شرکت‌های ساختمانی و سرکسازي اشتراک ورزیده بودند، سرپرست شاروالی کابل، طی صحبتی روند پرسوه اشتراک سکور خصوصی را در پرسوه های شاروالی کابل، یکی از شفاف‌ترین پرسوه‌ها عنوان نموده گفت: شرکت‌های واجد شرایط می‌توانند، مطابق به قوانین، مقررات و شرطنامه های ترتیب یافته شاروالی کابل، در یک فضای کاملاً شفاف و عاری از فساد اشتراک ورزیده و با اطمینان کامل از تلف نشدن حق شان در این اداره، در اجرا و تطبیق پرسوه‌های سرکسازي و عام المنفعه سهم بگیرند.

سرپرست شاروالی کابل، از به اعلان گذاشتن ده ها پرسوه بزرگ سرکسازي و عام المنفعه جدید در سال جاری از سوی شاروالی کابل، خبر داد و توقع برد تا سکور خصوصی یا شرکت‌های قراردادی علاقمند این اداره، در

کار بهسازی و تنظیم ...

طبق یک خبر دیگر:

کار بالای سیستم آبیاری پایدار نهال‌ها در گلستان وسطی سرک پل سوخته الی دارالامان، هفته گذشته از سوی ریاست سرسبزی شاروالی کابل روی دست گرفته شد.

قابل ذکر است که به منظور کاهش در مصارف

از روز جهانی زمین ...

آقای غیثی خواهان همکاری و همسویی شهروندان در قسمت کاهش استفاده پلاستیک گردید و توقع برد که شهریان کابل در پاک نگهداشتن آبروهای مقابل منازل، دکاکین و محلات زیست شان توجه جدی نموده و با ریختن پلاستیک و زباله‌ها، زمین و محیط زیست را آلوده سازند!

در این محفل، دکتر محمد ادریس توخی رییس صحت محیطی و محیط زیست شاروالی کابل و چند تن دیگر، پیرامون اضرار پلاستیک و حفظ محیط زیست سالم صحبت نموده، کاهش استفاده پلاستیک را محور سلامتی شهر و شهروندان

رهنمودی بر جدانویسی، پیوسته‌نویسی و ...

نوشتار و خط پارسی دری سنت هزارساله دارد؛ بنابراین هرگونه نوگرایی درخط پارسی دری بایستی با شناخت قاعده

و قواعد واژه‌سازی زبان وبا فهم جنبه‌های زیبایی شناسانه سنتی خط پارسی دری صورت بگیرد. اگر این دو مورد را

در نظر نداشته باشیم و نتوانیم بنابه درک فرهنگی خط پارسی دری و بنابه شناخت ساخت دستوری واژه‌سازی زبان پارسی دری، قانون و قاعده وضع کنیم، نمی‌توانیم پیشنهاد اصولی و ساختمند برای جدانویسی و پیوسته‌نویسی واژه‌ها ارایه کنیم.

زبان پارسی دری یکی از زبان‌های است که بر اساس ترکیب و پیوند،

واژه‌های جدید می‌سازد. در زبان پارسی سه گونه واژه داریم: ساده (بسیط)، ساخته (مشتق) و آمیخته (مرکب).

بنابراین قاعده جدانویسی، پیوسته‌نویسی و نیم‌فاصله‌نویسی باید با در نظر گیری پیشینه زیبایی شناختی فرهنگی خط پارسی دری بر اساس ساخت قواعد دستوری این سه گونه واژه، ساخته شود.

بنابه ساخت واژه‌سازی زبان پارسی دری قاعده را می‌توان این گونه در نظر گرفت:

قاعده نخست: جدانویسی کامل بین واژه‌ها صورت می‌گیرد (واژه یک واحد لغوی است که معنای مستقل و اعتبار دستوری دارد؛ یعنی اسم، صفت، ضمیر، قید، فعل و ... است.

پدر گلستان‌های گلاب‌ها را آب داد. پدر (واژه ساده)، گلستان‌ها=گل+دان+ها

(واژه ساخته)، گلاب‌ها=گل+آب+ها (واژه آمیخته)، آب داد (واژه آمیخته-

فعل مرکب) است. واژه ساده از یک واژک باز، واژه ساخته از یک واژک باز و چند واژک بسته (پیشوندها و پسوندها) و واژه آمیخته از چند واژک باز و بسته ساخته می‌شود. بنابراین بین هر واژه جدانویسی کامل را رعایت باید کرد.

قاعده دوم: پیوسته‌نویسی بین اجزای اکثر واژه‌های ساخته و تعدادی از واژه‌های آمیخته صورت می‌گیرد که این پیوسته‌نویسی بیشتر بر اساس چگونگی

باسعی و ...

شانده شده است نیز از شاروالی بخواهیم تا به آن رسیدگی نماید. پرسش در این است وقتی ما در سایه چنین انتظارات و توقعاتی بنشینیم، شاروالی کابل با کدام امکانات بشری و تخنیکی و مالی میتواند، این شهر جنگ زده و بیش از شش

طبق قاعده آواشناسی حرف‌های الفبای پارسی دری پیوسته یا بنیم فاصله نوشته شوند.

واژه‌های زیبایی شناسی، مردم شناسی، روزنامه نگاران، تاریخ نویسان، قانون گذاران، سبک سر، سیاه موی، رفته بود، دیده شد، خریده شد و ...

باید عرض شود، جدانویسی بین واژه‌های مستقل (ساده، ساخته و آمیخته) حتمی است، قابل بحث نیست اما پیوسته‌نویسی و نیم‌فاصله‌نویسی بین اجزای واژه‌های ساخته و آمیخته بیشتر تابع شکل حرف‌ها و آواشناسی الفبای پارسی دری است؛ اگر به این امر توجه داشته باشیم، چندان در رعایت پیوسته‌نویسی و نیم‌فاصله‌نویسی واژه‌ها دچار افراط و تفریط نمی‌شویم.

الفبای پارسی دری اگر مانند الفبای انگلیسی می‌بود، مشکل حل بود، زیرا حرف‌های الفبای انگلیسی بهم نمی‌چسبند اما ویژگی الفبای پارسی دری این است که تعدادی حرف‌های آن بهم می‌چسبند، تعدادی نمی‌چسبند. بنابراین نمی‌توان این دو ویژگی حرف‌های الفبای پارسی دری را در نظر نگرفت و خلاف قاعده، اصول و ویژگی حرف‌های الفبای پارسی دری، حتما «ناچسبیدگی» را به کار برد. اگر برای جدانویسی، نیم‌فاصله‌نویسی و پیوسته‌نویسی طبق چند قاعده مشخص عمل نشود؛ به نوشتن هر واژه برخورد جداگانه و سلیقه‌یی صورت بگیرد، نمی‌توان در نوشتن هزاران واژه به نتیجه‌یی نسبتاً مطلوب و مشترک دست یافت. پس بهتر این است که برخورد ما برای چگونگی پیوسته‌نویسی و گسسته‌نویسی طبق تعریف چند قاعده، تقلیل گرایانه باشد؛ یعنی ساخت واژه‌ها را مشخص باید کرد، بعد طبق آن ساخت، چگونگی نوشتن صداها واژه‌ها را به قاعده خاص، تقلیل داد.

بزرگترین نهاد خدماتی در شهر، وظایف عام المنفعه را در شهر ایفا مینمایند، ما نیز منحصت شهروند وظیفه داریم تا در برآورده سازی نیازهای شهر بازوی این نهاد باشیم، تا ما شهروند گردیم و شاروالی با اتکا به نیروی شهروندان برنامه‌های توسعه‌یی، انکشافی و خدماتی خود را بدرستی انجام داده بتواند.

مکلفیت‌های شهروندان در قبال حقوق شهروندی!

ستانکزی

حمل و نقل و ترافیک محل زیست:

امروزه وسیله نقلیه جزء جدا ناشدنی از زندگی شهری است. از دیگر حقوقی که می توان برای مردم محل زیست در نظر گرفت عبور و مرور و فضاهای مورد نظر برای رفت و آمد است. بطوریکه این جزء جدا ناشدنی تبدیل به یک معضل نشود و بتوان از آن بعنوان یک وسیله مطلوب برای زندگی بهتر استفاده کرد. حال باید به این موضوع پرداخت که مکلفیت‌ها و وظایف مردم در قبال خدماتی که تحت عنوان حقوق شهروندی به آنان خدمت رسانی می شود چیست؟ تمامی مواردی که به عنوان حقوق مردم محل زیست در نظر گرفته و بررسی شد، می توان به عنوان مکلفیت و وظیفه نیز به آن اشاره نمود.

شهروند فعال:

امروزه برای رعایت حقوق شهروندی نیاز به همکاری هر چه بیشتر خود شهروندان و مردم محل است. هر فرد باید بکوشد تا از شهروند منفعل به شهروند فعال ارتقا یابد تا هم خود از حقوق شهروندی بیشتر مطلع شود و هم دیگران را از حالت منفعل به حالت پویا تغییر دهد. مطمئناً تمامی طرح‌هایی که به منظور رفاه مردم محل زیست در حال اجرا می باشند با مشارکت خود مردم سرعت و پیشرفت چشمگیری داشته و موفق تر می باشد.

حفظ زیبایی محل زیست:

قطر ایجاد فضاهای مناسب و زیبا کافی نیست، این تنها یک قدم است و برای این که همیشه از این زیبایی‌ها و امکانات استفاده شود مردم محل زیست، موظف هستند تا در حفظ و نگهداشت محلات تفریحی، پارکها، ساحات سبز شهری و زیباسازی‌های ایجاد شده، کوشا باشند. هر شهروند موظف است تا نسبت به امکانات عمومی که در اختیار محل زیست قرار گرفته احساس مسئولیت کند و نه تنها به آن آسیب نرساند و آن امکانات را تخریب ننماید، بلکه در گسترش هر چه بیشتر آن نیز تلاش کند. به عنوان مثال می توان نقش زیادی در زیباسازی محوطه اطراف منزل و محل سکونت و یا محل کار خود داشته و همه زیباسازی‌های شهری را وظیفه نهاد های دولتی نداند.

حفظ پاکي و صفای محل زیست:

هر شهروند موظف است تا در حفظ پاکي و صفای محل زیست خود بکوشد. نریختن زباله و همکاری با افرادی که در راستای پاک سازی فعالیت می کنند «عمله نظیفی» و همچنین رعایت نکات صحی عمومی از جمله این وظایف است. این نکته را باید همواره یادآوری نمود که ایجاد آلودگی‌ها در درجه اول به خود ما آسیب می رساند. اگر در محل زیست مورد سکونت و یا محل کار و ... نظافت فردی و جمعی رعایت نشود آلودگی و بیماری‌هایی گوناگونی ایجاد شده که گریبان همه را خواهد گرفت.

کردن زباله‌ها و انتقال آن‌ها به زباله دانی‌هایی که از قبل از طرف شاروالی جابجا گردیده و بعداً انتقال زباله‌ها به خارج از فضای محل زیستی. رد نمودن فاضلاب‌های تولید شده در محل زیست به نقاط و یا مجرا، پاک نمودن آب روها از اشیاء و زباله‌ها و پسمانده‌های احتمالی به منظور جلوگیری از جمع شدن و ماندن آب در جوی‌ها که اصلی ترین مکان برای رشد و نمو حشرات به ویژه مگس و پشه است و در فصل برف و باران، باعث

برای تفکر در بخش حقوق و تکالیف شهروندی، ابتدا این سوال‌ها مطرح می شود که، حقوق شهروندی چیست؟ چه کسانی می توانند این حقوق را داشته باشند؟ و در کجا می توان آن را جستجو کرد؟ همان طور که می دانیم حقوق و مکلفیت در برابر هم قرار می گیرند و هر کسی در قبال حقی که به او تعلق می گیرد موظف است که وظیفه را باید انجام دهد و مکلفیت بر عهده او می باشد. هم چنین باید واژه شهروند توضیح داده شود و باید دانست، یک



تجمع آب و بندش آب روها میگرد. جلوگیری محل زیست از آلوده‌گی‌ها رابطه مستقیمی با بیماری‌های قلبی و انواع سرطان و بیماری‌های تنفسی و ... دارد. اگر باشندگان محل زیست در شهرها، به این نکته اولویت بدهند، بدون شک که محل زیست شان عاری از همه مشکلات و آلاینده‌گی‌ها به دور خواهد بود.

ایجاد مراکز فرهنگی، ورزشی و هنری:

وجود فضاهایی به منظور فعالیت‌های فرهنگی، هنری و ورزشی را می توان از حقوق دیگر شهروندان در محل زیست دانست. اوقات فراغت و همچنین فعالیت‌های تحصیلی و کاری زمینه ساز رشد و شگوفایی در نوجوانان و جوانان و همچنین پویایی در سایر افراد محل زیست است. مساجد و امکان مقدس محل زیست و کتابخانه و مکان‌های ورزشی در رسیدن به هدف رسیدن شهروند پویا و سالم لازم هستند. شهروندان و مردم محل زیست نیازمند فضاهایی هستند تا بتوانند نیازهای معنوی خود را که آموزه‌های دینی و پرورشی است در آن محل تقویت کرده و استعداد های خود را شناخته و در رشد و شگوفایی آن تلاش نمایند.

زیبایی و پاکي محل زیست:

یکی دیگر از حقوقی که به مردم یک محل زیست تعلق می گیرد، داشتن فضای سالم و پاکیزه و زیبا برای زندگیست. بدون شک زندگی در محل زیست پاک و صاف، ضامن سلامتی اهل محل زیست بوده و همچنین زیبا سازی محل زیست تأمین کننده آرامش روانی مردم در محل می باشد.

شهروند در قبال حقوق شهروندی که به او تعلق می گیرد چه مکلفیت‌هایی دارد؟ شهروند کیست و تفاوت شهروند با شهروند نیست چیست؟ به اعتقاد کارشناسان امور اجتماعی و جامعه‌شناسان، شهر نشینان زمانی که به حقوق یکدیگر و قوانین اجتماعی احترام می گذارند و به مسوولیت‌های خویش در قبال شهروندان دیگر و اجتماع عمل می نمایند، به شهروند ارتقا می یابند. مفهوم «شهروند» نه تنها در جامعه شهری و کشوری قابل تعریف است بلکه با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژی ارتباطات، می توان «شهروندی» را برای جامعه جهانی نیز در نظر گرفت. حقوق شهروندی را می توان این گونه بیان کرد که، مجموعه است از مکلفیت‌ها و مسوولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر و در قبال شهر و دولتی که در آن زندگی می کنند.

در اینجا سعی بر آن است تا حقوق و مکلفیت‌های مردم (شهروندان) در محل زیست بررسی شود. برای این منظور ابتدا محل زیست را تعریف می کنیم. اگر بخواهیم تعریفی ساده از محل زیست داشته باشیم، می توان گفت که، محل زیست مجموعه از خانه‌های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی خاص است.

حفظ سلامت و جلوگیری از امراض در محل زیست:

بی شک زمانیکه عده زیادی از مردم در یک ناحیه تجمع یافته و زنده گی می نمایند، مبحث مهمی به نام سلامت مطرح می شود. یکی دیگر از حقوق شهروندان در محل زیست انجام اعمالی است که سلامت مردم را تضمین می نماید. به عنوان مثال، یکی از این موارد مهم که با سلامت شهروندان به طور مستقیم در ارتباط است، نظافت و پاکي محل زیست میباشد. جمع

دبیری فرهنگ رواجولو په موخه

پراخو تبلیغاتو ته اړتیا ده!

صمیم

دا څرگنده ده چې زمونږ ښار، مونږ د څو کور حیثیت لری او ددغه ښار ټول ښه او بد په مونږ پورې اړه لری. د ښار پاکوالی، د ښاری فرهنگ او ښاری کلتور رعایتول، د ښار ښکلا او سمسورتیا، ټول ز مونږ د هوسا ژوند لپاره یوه اړتیا ده چې باید په ګډه سره د ښار په پاکوالی او سمسورتیا کی ونډه واخلو. که چیرې د ښار ښیرازه توب له منځه ولاړ شی او پاکوالی ته یې پاملرنه ونشی، ښکاره خبره ده چې زمونږ روغتیا له ګواښ سره مخ کیږي او په راز، راز ناروغیو اخته کیږو. نوکه وغواړو چې ښه او هوسا ژوند ولرو او له ناروغیو څخه په امن کی پاتې شو نو باید دغه ګډه کور پاک وساتو. خو لکه چې لیدل کیږی زمونږ ډیر شمیر ښاریان دغه ټکی ته سمه پاملرنه نه لری، خپل تولید شوی کثافات په هرڅای کې یې چې زړه وغواړی هلته یې اچوی او په لوې لاس ښارله ککړتیا او خپل ژوند له ګواښونو سره مخ کوی. کابل ښاروالی تل هڅه کوی ترڅو ښار او ښاریان، له دغو ګواښونو څخه لرې وساتی چې په همدې موخه د نظیف عمله شپه او ورځ، په نه

سترېکیدونکي توګه، کار کوی او غواړی چې کابل ښاریان په یوه با امنه روغتیا یې چاپیریال کی ژوند وکړی. له هغه ځایه چې د کثافاتو د تولید کچه د نظیفی کارګرانو او نظیفی ماشینری له طاقتونو څخه زیاته ده نو لدې کیله ډله ایزو نظیفی کارونو ته ښاریان هڅوی او په همدی موخه دا شان ډله ایز نظیفی کارونه په لاره اچوي او کابل ښاروالی له خپلو ټولوبښاریانو غوښتنه کوی ترڅو د ښارد پاکولو په موخه په حشرکې ګډون وکړي خو بیا هم د ښاریانو ګډون په دغه کار کې ډیر کم رنگه وي او له دی څخه څرګندېږي چې ډیری ښاریان دخپل ګډه کور پاکوالی ته چندان لیوال ندی او نه غواړی چې، د داشان ډله ایزو نظیفی کارونو په سرته رسولو سره خپل ځان، خپله کورنی او خپل ښار له ناولتیا وو او ناروغیو څخه وژغوری. نو لازمه دا ده چې د داشان ښاریانو لپاره پراخ کلتوری تبلیغات سرته ورسول شی ترڅو دوی د ښاری فرهنگ او ښاری کلتور په رعایتولو کې ځان مسوول وګڼي.

اطلاعیه‌های شاروالی کابل

شاروالی کابل از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه داوطلبی تدارک تعداد ۲۷ قلم افزار کار به اساس قرارداد چهارچوبی تحت داوطلبی شماره ۱۳۹۷/۲/۵۰۰-G-KM-NCB اشتراک نموده و آفرهای سربسته خویش را مطابق شرایط شرطنامه طبق قانون و طرز العمل تدارکات عامه الی ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر روز یکشنبه تاریخ ۱۳۹۷/۲/۲۳ ارایه نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و انترنیتی قابل پذیرش نمی‌باشد، تضمین آفر مبلغ ۵۰۰۰۰۰ افغانی طبق شرطنامه و

شرایط اهلیت، طبق ماده ۱۷ قانون تدارکات عامه می‌باشد. آدرس مکان جلسه: ریاست تدارکات، ده افغانان ناحیه دوم دفتر مرکزی شاروالی کابل. نوت: داوطلبان می‌توانند اسناد مکمل داوطلبی را از ویب سایت npa.gov.af دانلود نمایند، در صورت عدم دانلود از ویب سایت، داوطلبان می‌توانند آفر را در سی دی یا فلش دیسک از آدرس فوق‌الذکر به دست بیاورند.